

شما «گام» بردارید؛ ما پیرش می‌کنیم!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

فصل دستمزدها

از نمایش تا واقعیات

مصطفی اسدپور



فصل دستمزدها در ایران، تا آنجا که به مقامات و رسانه های رسمی مربوط باشد بیشتر به یک فستیوال «حقایق خط فقر» شباهت دارد. پرده ها بالا میروند، در و دیوار به سخن در میآیند، آمار و ارقام جان میگیرند، تا «حقایق» زندگی در زیر خط فقر به جلو صحنه رانده شود. در بیان شرایط زندگی دهها میلیون از آحاد و خانواده‌های کارگری در شرایطی فاجعه آمیز، شرح حال قربانیان که تنها گناهشان شرافت کارگری آنها است و نان کار خود را میخورند، واقعیت آنقدر تلخ است که بسختی جایی برای اغراق باقی میماند.

حقایق تکان دهنده نه در پشت درهای بسته، بلکه خار چشم هر رهگذر در بیشمار نقاط آن مملکت نفرین زده است. در این میان مقامات و مسئولان دولتی هر چه بیشتر در اقرار به اشتباهات و افشاء خود و همپالکی های خویش درسهای تازه تر میآموزند.

در همه این «حقایق» آنچه به حاشیه می‌رود این است که از دست خود کارگران بر علیه این شرایط چه ساخته است. دستمزدها یک پدیده و کشمکش مهم اجتماعی است نه بخاطر اینکه کارگران مظلومند یا فقیرند. داستان عدالت و قوانین نجات محرومان توسط دولت، کثیف ترین دروغ تاریخ است. هسته اصلی کشمکش دستمزد بر سر آنستکه که همه تولید و شاهرگ های نظام در دست کارگران قرار دارد و اگر کارگران اراده کنند همه چیز از حرکت میایستد، از دستگاه حاکمه و قوانین و قدرقدرتی آن چیزی باقی نمیماند.

در موعد سالانه، کارگر آن جامعه در شرایطی پا به همهمه دستمزدها میگذارد که در یک بازی کثیف و جنایتکارانه به اسم توافق و مذاکرات، معیشت و سلامتی و ساده ترین نیازهای او به سرقت رفته است. ... صفحه ۲



عزم راسخ کارگران گروه ملی فولاد

خالد حاج محمدی

روزهای اخیر جامعه ایران شاهد اعتراضات متحد و یکپارچه کارگران گروه ملی فولاد اهواز بود. کارگران فولاد در ادامه اعتراضات قدیمی تر خود، این روزها در اشکال مختلف دست به تجمعات اعتراضی زدند و خواهان رسیدگی فوری به مطالبات خود و حل معضلات این مرکز شدند. خواست و مطالبات کارگران فولاد از جمله عبارتند از افزایش دستمزدها و بهبود سطح معیشت کارگران، پرداخت حق بدی آب و هوا، اضافه شدن آیتم کامل فوق العاده شغل به فیش حقوقی کارگران، تعیین تکلیف قراردادهای موقت کار، تغییر ساختار مدیریتی این مرکز، تامین قطعات و تجهیزات لازم برای ادامه تولید فولاد و رفع موانع آن و... کارگران بعلاوه خواهان واگذاری فولاد اهواز از بانک ملی به دولت و قبول مسئولیت دولت در قبال کارگران این مرکزند. کارگران تاکید کرده اند تا اول اسفند اگر به خواست و مطالبات آنها رسیدگی نشود و اقدامات عملی انجام نگیرد، مسئول هر اتفاقی در این مرکز مستقیما به عهده دولت و مسئولینش در منطقه و مدیریت فولاد است.

طبق خبری که امروز پنجشنبه در کانال کارگران گروه ملی فولاد منتشر شده است، دیروز نشستی با حضور مسئولین و شورای تامین استان با حضور فرماندار اهواز و مدیر کل اداره کار اهواز و معاونین وی و همچنین نیروهای امنیتی انجام گرفته و نتایج آن قول تامین بخشی از مطالبات کارگران بوده است.

بر اساس این خبر طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش پایه حقوق کارگران، حق بدی آب و هوا، پرداخت پاداش و ارزاق یک میلیون و پانصد هزار تومان به پرسنل تا قبل از پایان سال، ورود ماهیانه صد هزار تن مواد اولیه به این مرکز و تامین اعتبار خرید شمش و تجهیزات مورد نیاز شرکت و... از جمله مطالباتی است که وعده اجرای آنها داده اند. ... صفحه ۲

اوباشان و اراذل در وزارت کار

از پروژه «زیست بوم ملی اشتغال» تا مافیای

استثمار بنیاد امام

زرت قمصور یک سیاستمدار کارگشته!

مصطفی اسدپور

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری

عراق با موفقیت به کار خود پایان داد

آزادی برابری حکومت کارگری

شما «گام» بردارید؛ ما پرش می‌کنیم!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

امسال به بهانه سالگرد انقلاب ۵۷، افلاس جمهوری اسلامی با علم و کتل «دهه فجر» دیدنی بود. همه خبرگزاری‌های نظام دم از «گام دوم» زدند؛ از «حضوری متفاوت» دم زدند. گفتند که «برنامه‌های ویژه‌های دارند که مختص نسل چهارم و نوجوانان» است. گفتند که «سبک زندگی متفاوتی» را این‌بار با علم کردن «تجلی غیرت ایرانی از خزر تا خلیج فارس» به نمایش گذاشته‌اند.

اما این چراغ سبزه‌های ناسیونالیستی تحت نام «گام دوم» فقط ۲۴ ساعت دوام آورد. کلیت این روند تغییر ریل از «ایران اسلامی» و ... به «غیرت ایرانی از خزر تا خلیج همیشه فارس»، این تغییر برند از «انجزه، انجزه» به «کنسرت غیر اسلامی»، تمام این رنگ عوض کردن، یک‌روزه دود شد و سوخت. این‌ها امسال با شعار «ایران ایران» آمده بودند که به بهانه سالگرد انقلاب ۵۷ از مردم استغفار کنند. پس از شکست پرچم «ایران اسلامی» و بن‌بست ایدئولوژیک‌شان، امسال با پرچمی به همان اندازه ارتجاعی آمده بودند که بگویند با «مردم» اند. کارناوال «نسل چهارم» راه انداختند، از «اسلامیت» شان عقب نشستند و انگوی سه رنگ «ناسیونالیسم» و «غیرت ایرانی» را به دست کردند. تصور می‌کردند که می‌توان با پرچم «سه رنگ» ناسیونالیسم ایرانی و با «ایران ایران» و «خلیج همیشه فارس» گفت، با چراغ سبز نشان دادن به ناسیونالیست‌های ایرانی و «میهن‌پرستان» برون حکومتی، مردم به پاخاسته علیه نظام را خاموش کنند. فکر می‌کردند که ماشین توحش اسلامی که امروز دیگر در برابر مردم آزادی‌خواه رمقی برای سرکوب ندارد را می‌توان در یک تغییر ریل «ایرانی» و «عظمت ایرانی» احیا کنند. فکر کردند چراغ سبز به ناسیونالیست‌های عظمت‌طلب می‌تواند موج خشم و نفرت و اعتراض برای رهایی از این نکتب اسلامی را خاموش کند.

جامعه اما نه تنها مجذوب چنین تبلیغات مسموم و میهنی نشد، بلکه واقعی به آن نهاد و به راه خود ادامه داد. تنها یک‌روز بعد از این بالماسکه «گام دوم»، کارگران «گروه ملی فولاد» خیابان‌های اهواز را به تسخیر خود درآوردند، بازنشستگان در بیش از ۱۰ شهر ایران زمین را برای چندمین بار به لرزه درآوردند. اعتصاب و راهپیمایی کارگران سیمان سپاهان اصفهان در سطح شهر گلوی عوامل نظام را فشرده. معلمان مریوان برای آزادی دستگیرشدگان خود شهر را به لرزه در آوردند. رانندگان تاکسی اتوبان ساوه- تهران را به تسخیر خود در آوردند و ...

از دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸، از ادامه تجمعات و اعتصابات سراسری و قدرتمند معلمان در اقصی نقاط کشور تا گل گرفتن درب شوراهای اسلامی کار در محیط‌های کار و زندگی کارگران، از مبارزات متحدانه در هفت‌تپه تا زمزمه‌های دوباره اعتصابات در نفت و پتروشیمی‌ها، فضای سیاسی در ایران رنگ و بوی عدالت‌خواهانه و سوسیالیستی به خود گرفته است. این آن پرش واقعی و گام‌های بلند جامعه‌ای است که فرسنگ‌ها از جمهوری اسلامی جلو زده است و از آن عبور کرده است. جامعه‌ای که برای رفاه، معاش، خوشبختی و آزادی به میدان آمده

است را نمی‌توان با این «تغییر ریل»‌های ناسیونالیستی و مفلوکانه به عقب برگرداند. مردم با توقع بالا را نمی‌توان با نمایشات مسخره «ایران-ایران» و با علم گذشته‌پرست ناسیونالیسم ایرانی به خانه فرستاد. مردم ایران در ابعاد سراسری پاسخ خود به خوشبختی و رفاه خود را با عبور از جمهوری اسلامی روشن و گویا اعلام کرده‌اند. پرچم «اداره شورایی جامعه»، پرچمی است که هر آزادی‌خواه و مبارز برابری‌طلب برای خلاصی از این نظام و جایگزین کردن آن را به اهتزاز درآورده است.

«گام دوم» نظام در واقع همان گام آخر نظام به سمت سقوط به پرتگاه توسط مردم آزادی‌خواه است. این نظام نمی‌تواند همانگونه که در گام نخست خود با «امام راحل»، انقلاب ۵۷ را سرکوب و به خون کشید، در «گام دوم» خود با علم و کتل «خلیج همیشه فارس» و «غیرت ایرانی» بیش از این عمری برای خود دست و پا کند. مردمی که امروز «اداره شورایی» می‌خواهند تمام این مقدسات را به زباله‌دانی تاریخ می‌ریزند؛ این نسل محال است با عبور از اسلام و جمهوری اسلامی در ایستگاه ارتجاع «ایران ایران» توقف کند. موج سهمگین مبارزات توده‌ای کارگران، معلمان، بازنشستگان و محرومان با هدایت رهبران کمونیست و سوسیالیست در راس این مبارزات تضمین می‌کند که انقلاب آتی در ایران نه تنها انقلابی برای تعویض یک ارتجاع با ارتجاعی دیگر، انقلابی برای تفویض قدرت از معمم به مکلا، که یک انقلاب اجتماعی عظیم برای زیر و رو کردن تمام مناسبات سرمایه‌دارانه در ایران است؛ انقلاب آتی انقلابی پیرومند به رهبری کمونیست‌ها و کارگران است. هیچ مانع اسلامی و ناسیونالیستی در این مسیر نمی‌تواند مانعی در مقابل پرش مردم ایران به سمت خوشبختی و رفاه باشد. طبقه کارگر و ما کمونیست‌ها ملزومات به پیروزی رساندن این رسالت سوسیالیستی را تضمین می‌کنیم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۳ فوریه ۲۰۲۲

امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در

جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی کردن

نقشه‌های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به

شوراهای کارگری و مردمی در محل کار و زیست می‌زند و

به این مکانیسم‌های اجتماعی قدرت متکی می‌شود. آزادی،

برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و پیشرفته‌ترین نعمات

مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و

تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

هم لازم نیامد. میشد گذاشت مثل بقیه سال گرسنگان در سکوت جان بدهند. دستمزد مسأله هیچکدامشان نیست. اما دارند قبل از اینکه خود کارگران راه نجات را بر پرچم‌هایشان بنویسند، همزمان با آماده کردن پلیس و ارتش برای سرکوب اعتراضات، نخبگان جامعه، دانشگاهها، نمایندگان مجلس و مفسران سیاسی‌شان را از پیش به پاسخهایی برای تخطئه و محکوم کردن این اعتراضات مسلح کنند.

هر کارگر با تماشای مضحکه دستمزدها تشخیص میدهد که ساده لوحی است اگر تصور کنیم که میتوانیم با مذاکره کارفرما و وزیر کار را قانع کرد حق مان را بدهد. حق گرفتاری است. گرفت و حفظ کردن حق، مبارزه ای دائمی میطلبید. باید متحد شد و متحد ماند. باید این اتحاد را نشان داد و بکار گرفت.

امروز در فصل دستمزدها دو طبقه در مقابل هم صف بسته اند. طبقه حاکم برای کارگر مزد کمتر، برای خودش سود بیشتر، برای خدمات عمومی قیمتی بالاتر برای شرکتهایش مالیاتی کمتر، برای بردگانش تفرقه و تشنت بیشتر و برای خودش پلیس و دم و دستگاهی منسجم تر و قدرتمندتر میخواهد. پاسخ فعال کارگری از کارگر ساختمانی سندانج تا کارگر صنایع بزرگ خودرو سازی و نفت و ذوب آهن چه باید باشد؟

فصل دستمزدها...

در مذاکرات دستمزدها یکبار دیگر، کارگران دشمنان خود را یکی پس از دیگری، از زندانبان اوین، شارلاتان خانه کارگر در لباس «نماینده» تا کلاش بانک مرکزی باز میشناسد. موعد سالانه بزرگترین عید طبقه بورژوا در نمایش اتحاد آنها است. طبقه بورژوا و قدرت دولتی نوکرها، آجودانهای اوباش چماقدار، بانکها، زندانها و تمام ظرفیت کثیف خود را به میدان میکشد. در میان این «حقایق» آنچه به حاشیه می‌رود این است که همه آنچه‌ی که کارگر به آن نیاز دارد، چرخ‌های تولید، انبارها، فروشگاه‌ها، راه‌ها، بیمارستانها در اختیار آنها خود آنها است. فقط کافی است گوشه ای از قدرت اعتصاب سراسری خود را به نمایش بگذارند تا همه پادگانها، زندانها و طفیلی‌های قدرت، مشت‌های نحیف و دهان فراخ پیاوه گوی آنها را زمینگیر سازند.

فصل دستمزدها بی‌کم و کاست دال بر این است که مذاکره در کار نیست. «توافق» در «مذاکرته» که رد پای کارگر تا چه رسد به نماینده کارگری در آن نمیتواند پیدا شود، مسخره است. هیچ کس با اندازه طبقه حاکم به عمق ظلم و محرومیت و زورگویی غیر قابل تحمل حاصل کارکرد خود واقف نیست. اگر خطر خیزش و شورش کارگران و مردم زحمتکش نبود، نمایش سالانه دستمزدها

در ادامه خبر و از جانب کارگران گروه ملی فولاد آمده است که: «این نتایج خروجی جلسات استانداری و هیأت بانک ملی میباشد و کلیه این مصوبات تا زمانی که به صورت رسمی از سمت شورای تامین استان در کانال رسمی شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و آنهم با مهر مسولین استان و بانک ملی آورده نشود بی اعتبار خواهد بود.» و اعلام شده است که: «تا زمان دریافت پاسخ مناسب صبر پیشه خواهیم نمود و در غیر اینصورت جلسه جدید تالار جهت تصمیم گیری متناسب با رخدادهای اخیر متعاقبا و روز شنبه اعلام خواهد شد.»

کارگران در این مدت بارها در تالار تجمعات فولاد جمع شده اند، با هم صحبت کرده اند و جمعی تصمیم گرفته اند. آنها اعلام کرده اند که هیچ جمع و تک نفری بدون اطلاع و توافق جمعی حق ندارد به نام کارگران این مرکز با هیچ مقام و مسئولی بنشیند و تصمیم بگیرد. کارگران بارها و در جمع خود در تالار فولاد مدیریت فولاد و مسئولین دولتی را به جمع خود فراخوانده اند تا صدای کارگران این مرکز را مستقیما بشنوند و جوابگو باشند. با آنها در جمع کارگران صحبت کرده اند و مشکلات و خواستههای خود را به اطلاع رسانده اند. کارگران رسماً به مقامات شرکت و دولت التیماutom داده اند و اعلام کرده اند، که از این بیشتر تحمل نمیکند، گفته اند وعده سرخرمن مقامات مسئول دیگر در میان آنها خریدار ندارد و تنها اقدام عملی و سراسر است و تامین مطالبات جواب کارگران است. آنها از قبل یک ماه فرصت دادند تا مدیریت اقدامی جدی انجام دهد و این بار هم مثل همیشه جوابی نگرفتند. بعد از این تلاشها و مطلع کردن همه مقامات حکومتی از بیت رهبری و دولت و مجلس تا مقامات محلی و بی نتیجه ماندن و سردانیدن همیشگی و وعده های تکراری و وقت خریدن مسئولین و کارفرما، نهایتاً کارگران از روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه برابر با ۱۳ فوریه تجمعات خود را به شهر اهواز و مقابل استانداری کشاندند. با این اقدام کارگران، مدیریت فوری جلسه اضطراری تشکیل داد تا به قول خودشان مطالبات کارگران را بررسی کند و با وعده های پوچ این موج خروشان و مصمم کارگران متحد فولاد را خاموش و از سر بگذراند. کارگران در مقابل و در بیانیه های خود خطاب به یوسفی مدیریت فولاد و روابط عمومی او اعلام کردند و نوشتند: «این نمایش ها و بازی ها را مدیران ماقبل شما و با مهارت بسیار بیشتر از شما هم بازی کرده اند. گوش ما از این وعده های سرخرمن و این گفته های صدمن یک غاز پر است و تا نتیجه ای را به چشم ندیده و آن را لمس نکرده باشیم هیچ نشست و جلسه ای را باور نخواهیم داشت.» کارگران در تجمعات چند روزه خود در اهواز و در سخنرانی ها و شعارهای خود بارها اعلام کرده اند که عقب نخواهند نشست، اعلام کرده اند سرکوب و فریب را خنثی میکنند و تلاش برای نفاق افکنی در صفوف متحد خود را مثل همیشه نقش بر آب خواهند کرد. آنها اعلام کردند که علیه همه استثماریان از حاکمیت تا مدیریت و کارفرمای فولادند و متحد تا رسیدن به همه مطالبات خود دست از اعتراض برندارند. کارگران فولاد در اولین بیانیه های خود نوشتند که: «این تاریخ تاریخ تولد دوباره کارگر گروه ملی فولاد اهواز است. تاریخی که یکبار دیگر زمین زیر قدمهای استوار ما لرزید و صدای کارگر باز هم در فضای این شرکت عظیم طنین انداز شد، گوش ظالم را کر و پشتش را لرزاند.»

روز سه شنبه ۲۴ بهمن کارگران شهرداری نیز به تجمع کارگران فولاد پیوستند و حمایت خود را از آنها اعلام کردند. پیوستن کارگران شهرداری که مدتها است خود مطالباتی برای بهبود معیشت دارند، دلگرم کننده و باعث یک همبستگی با ارزش طبقاتی شد. روز سه شنبه شهر اهواز شاهد تجمع صفی متحد و یکپارچه و مصمم از کارگران فولاد و شهرداری بود که زمین را زیر پای حاکمین لرزاند. کارگران این دو مرکز از همدیگر حمایت کردند و در سخنرانی های فعالین کارگری در این تجمعات با صدای بلند این همبستگی و یکی بودن همه کارگران از جمله کارگران این دو مرکز در مقابل صف سرمایه داران و دولت و مسئولین آنها در خوزستان اعلام شد. عزم جزم کارگران فولاد نهایتاً کارفرما و دولتش را وادار به نشست و حضور فوری در محل کرد و رسماً اعلام کردند مطالبات را برآورد میکنیم که به آن اشاره کردیم. بی تردید هر پیروزی در این اعتراض تنها مدیون هوشیاری و عزم راسخ کارگران این مرکز، اتحاد بالای آنها و حمایت کارگران شهرداری و مردم شهر و... از کارگران بوده است. هر درجه از پیروزی قطعا دستاوردی برای ایستادن کارگران در موقعیت بهتر برای کسب همه مطالبات و بهبودی در زندگی و افسار کردن سرمایه داران و دولت آنها در تعرض بیشتر به زندگی کارگران و خانواده های آنها است.

تجربه غنی کارگران فولاد

کارگران فولاد تاریخی قابل افتخار از مبارزه متحد با سرمایه داران و دولت را در پرورده خود دارند. مبارزات کارگران فولاد در دوره اخیر در کنار موجی از اعتصابات و اعتراضات کارگری از هفت تپه، هپکو، آذربای و معادن تا کارگران پروژه ای در نفت و گاز و پتروشیمی ها و تا اعتراضات بازنشستگان و معلمان، گوشه ای از یک بیداری عمومی و حق طلبی طبقه کارگر در ایران را به نمایش گذاشت و در دل آن کارگران گروه ملی فولاد و طبقه کارگر ایران و همه محرومین جامعه دوستان و دشمنان خود را شناختند، آموختند، توهمات صفوف خود را زدودند و قدرت متحد خود و توان و نیروی این اتحاد را با گوشت و پوست احساس کردند.

سال ۱۳۸۸ که فولاد از جانب دولت به «هدینگ آریا» واگذار شد و سرانجام ماجرای افشای اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی سهامدار اصلی این شرکت (مه آفرید امیر خسروی) که جلسات دادگاهی او پای بسیاری از مقامات دولتی و به قول مه آفرید امیر خسروی «از کمیسیون امنیت ملی مجلس، قوه قضاییه، کمیسیون برنامه و بودجه» و بسیاری از شخصیتها جمهوری اسلامی تا عناصری از مجمع تشخیص مصلحت نظام به میدان کشیده شد، اعتراضات در فولاد اهواز وارد فاز جدیدی شد. فولاد را از سال ۱۳۹۵ ناچاراً به بانک ملی واگذار کردند و اما زندگی کارگران این مرکز در مقایسه با دوره اختلاس مشهور در فولاد تغییری نکرد. سرانجام از پاییز ۱۳۷۷ شاهد یک دوره مبارزات جدی کارگران فولاد بودیم که بیش از یک ماه طول کشید. اعتصابات فولاد در این دوره همراه بود با اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه. آن زمان این دو مرکز ضمن متکی کردن اعتراضات خود به تصمیمات جمعی کارگران و برگزاری مجامع عمومی خود، از همدیگر گرمترین حمایتها را کردند. اعتصابات آن دوره کارگران فولاد اهواز و هفت تپه و حمایت وسیع مردم اهواز و شوش از آنها و بعلاوه حمایتهای کارگران و اقشار مختلف مردم آزادیخواه از این اعتصابات، صفحه ای زرین از تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر در ایران را رقم زد. این اعتصابات علیرغم اینکه انواع دسیسه و تلاش برای تفرقه به نام ملیت، قوم، زبان و ... را تجربه کرد و موج وسیع اخراج و دستگیری ها را به همراه داشت و در خود فولاد دهها کارگر به جرم حق طلبی روانه زندان شدند و صدها نفر از آنها تهدید شدند، اما نهایتاً حاکمیت مجبور به عقب نشینی هایی شد و کارگران این دو مرکز دستاوردهای بسیار بزرگی برای جنبش کارگری به ارمغان آوردند. دستاوردهایی که امروز هم جنبش کارگری و اعتصابات اخیر در مراکز مهم صنعتی از نفت و پتروشیمی، معادن و... و تا خود کارگران این دو مرکز و از جمله اعتصابات اخیر فولاد به آن پشت داده است. عزم راسخ کارگران فولاد در اعتصابات و اعتراضات این مدت، اتحاد بالا و اعتماد بنفس آنها، سخنرانی های پرشور و دستهای بهم بافته آنها، بخشا نتیجه تجارب گرانبهای کارگران از مبارزات این دوره است.

فولاد تنها نیست

تا امروز و با عقب نشینی های کارفرما و مقامات حکومتی، کارگران فولاد نشان دادند که با اتکا به اتحاد خود میتوانند در مقابل آنها سینه سپر کنند و پیروز شوند. همچنانکه کارگران اعلام کردند هنوز این وعده وعیدها تا جامه عمل نپوشد قابل اتکا نیست. اما تا همینجا بر همه کس آشکار است که توان و قدرت متحد کارگران فولاد در جامعه ای که روزانه شاهد امواج خروشان طبقه کارگر و اقشار محروم است، بالاتر از آنی است که تصور میشود. ما در همین سالهای اخیر و در یکسال گذشته شاهد صدها اعتراض و اعتصاب کارگری، شاهد موج وسیع اعتراض معلمان و بازنشستگان و شاهد اعتراضات کارگری در مهمترین مراکز صنعتی ایران بوده ایم. فولاد تنها نیست! هفت تپه و کارگران پروژه ای و معادن تنها نیستند! قدرت طبقه کارگر در ایران بسیار فراتر از آنی است که تصور میشود. هراس حاکمیت و عقب نشینی هایی که در این دوره در فولاد اهواز در هفت تپه و در میان معلمان و... کرده است، اگر از طرفی نتیجه عزم جزم و استوار کارگران، معلمان و اتحاد بالای آنها و هوشیاری نمایندگان و سخنگویان آنها است، از طرف دیگر بیان نگرانی بورژوازی ایران از یکی شدن و متحد شدن کارگران و اقشار محروم در ابعادی وسیع و سراسری است. تصور اینکه کارگران این مراکز همبسته و هماهنگ و متحد حول اصلی ترین مطالبات خود متحد شوند، قدرت و توان خود را یکی کنند، رهبران و سخنگویان آنها به عنوان نمایندگان این طبقه همصدا و چون جمعی صالح و نماینده کارگران رو به جامعه ظاهر شوند. تصور اینکه معلمان و بازنشستگان و اقشار کم درآمد برای رفاه و بهبودی با موج اعتصابات کارگری همراه شوند و پرچم مطالبات مشترک خود را بلند کنند، دور از انتظار نیست. همین حقیقت و ممکن بودن آن و خطر آن خواب از چشم حاکمین و همه نیروهای بورژوازی ربوده است. اتحاد دیروز کارگران هفت تپه و فولاد و امروز شهرداری ها و فولاد شروع کاری است که در مقابل ماست. کاری که باید برای تامین و تحولی جدی در زندگی خود، برای کسب بهبودی غیر قابل پس گرفتن به پیروزی اش رساند. هر درجه پیروزی کارگران فولاد و هر مرکز کارگری، هر درجه تامین بهبودی در زندگی ما، عزم ما را برای تغییر به نفع خود و برای تامین زندگی ای شرافتمندانه و مرفه، برای افسار کردن ماشین سرکوب و استثمار طبقه حاکم راسختر میکند. طبقه کارگر میتواند پرچمدار بهبودی و رفاه عمومی جامعه، پرچمدار تحولات وسیع و عمیق به نفع این طبقه و رهایی کامل جامعه از فقر و استثمار، از بردگی و استبداد باشد.

زنده باد سوسا لیسیم!

بیانه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

زرت قمصور یک سیاستمدار کار گشته!

مصطفی اسدپور

فیشود از کردیدهای خبری سیاست در ایران از سعید محمد بی خبر ماند. او کاندید پست ریاست جمهوری بود. این تازه اول پله های ترقی ایشان به حساب میاید. آقای محمد برای بورژوازی ایران جاذبه های انکارناپذیری دارد، او نه فقط سر و سری با شبکه سپاه پاسداران دارد بلکه جزو بالاترین قشر الیت اقتصادی حکومت و از همه چیز مهمتر از نقطه قوت اصلی ایشان، رابطه سازنده او با اکتورهای جهانی سرمایه گفته میشود. سعید محمد مسئول مناطق آزاد صنعتی است و همین کافی است او متعلق به «فردای» سیاست در ایران شمرده شود. در طول هفته یک تصمیم کمیسیون تلفیق مجلس مبنی بر اخذ مالیات بر درآمد افزوده در مناطق آزاد، کاسه کوزه سعید محمد را بهم ریخت. تماشایی است که از همه کارنامه درخشان توانایی و خرد و منت کردانی یک سیاستمدار تا نوبت به کارگر که میرسد یک پادو منافع سرمایه، یک دلال، یک کار چاق کن گوش بزنک سرمایه باقی میماند. ایشان از خطرات حذف مشوق ها و محسنات جذب سرمایه به مناطق آزاد توسط «برخی از نمایندگان مجلس» بر آشفته شده اند: «معافیت های مالیاتی در مناطق آزاد کشورهای اطراف ایران بسیار طولانی مدت است به طوریکه مدت زمان معافیت مالیاتی در برخی از این کشورها بالای ۳۰ سال است و حتی در امارات به ۵۰ سال هم میرسد»

قانون مناطق آزاد صنعتی در خفه کردن حق دستمزد و تشکل و امنیت شغلی سر راست و روشن است. این به سعید محمد ربطی ندارد، سر ایشان با تامین سود و

انگیزه و توان سرمایه گذاران شلوغ است: «باید توجه داشته باشیم که این سرمایه گذاران با برنامه و یک توجیه اصولی و اقتصادی، وارد فعالیت و سرمایه گذاری در مناطق آزاد شده اند. اگر قرار باشد به یکباره رقم قابل توجهی را به عنوان مالیات بپردازند به طور قطع مزیت سرمایه گذاری در این مناطق از دست می رود و دیگر انگیزه و توان ادامه فعالیت را نخواهند داشت.»

خالی از لطف نیست که به آگاهی خواننده سطور رساند که همه ماجرا بر سر نیست جمعی از نمایندگان در حال پیگیری اخذ مالیاتی معادل ۹ درصد از ارزش افزوده خالص شرکت ها در مناطق آزاد است.

از آن جائیکه سعید محمد بخوبی هم از شرع و هم از قوانین منافع سرمایه خیر دارند، ظاهرا خطر نمایندگان از همه جا بی خبر برطرف شده است: «مدت زمان معافیت های مالیاتی مصوب قانون در مناطق آزاد ایران ۲۰ سال است اما رعایت نمی شود و به یکباره خلاف قانون این مشوق حذف می شود. این اقدام را حتی خلاف شرع می دانم چراکه وقتی سرمایه گذاری با توجه به قانون معافیت ۲۰ ساله از مالیات برنامه ریزی کرده و با اعتماد به قانون سرمایه خود را وارد این مناطق کرده در سال پنجم سرمایه گذاری و فعالیت اقتصادی به یکباره این قانون را حذف می کنند.»

توپ و تشر سعید محمد و افاضه شرعی و قانونی ایشان خطاب به نمایندگان مجلس نابجاست. خود همین مجلس با تصویب قانون سر تا پا ضد کارگری در حفظ سود و انگیزه سرمایه های داخلی و خارجی از راه مکیدن خون کارگر ایرانی عقل و درایت بخرچ داده اند. جای شکر باقی است که سعید محمد و مجلسیان تا آخرین قطره خون کارگران بی حقوق ایرانی و با حفظ آخرین درصد سود سرمایه، پرچم پر عزت و شکوه «اشتغالزایی برای مردم بومی مناطق آزاد» را بر افراشته نگه میدارند!!

(قامی نقل قولها از گفتگوی مندرج در ایلنا، «اخذ مالیات از مناطق آزاد غیر قانونی و غیر شرعی است»، ۲۴ بهمن ۱۴۰۰)

دامادها و سکه ها:

اوباشان و ارادل در عمارت وزارت کار

مصطفی اسدپور

حجت عبدالملکی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. گزارش ایشان از اندرون وزارتخانه متبوع خود یک شاهکار و شایسته یک مدال پرافتخار در سابقه حکومت اسلامی سرمایه در ایران است. عبدالملکی اولین کسی نیست که افکار عمومی را به لجنزار اندرون این حکومت آشنا میسازد، اما او در انتخاب مصادیق فساد که بقول ایشان «یک رویه بوده است»، یک کارگر را به لایه های پنهان کاربرد «فساد» رهنمون میشود.

عبدالملکی در مقابل موج اتهام دال بر «دولت سیزدهم و خصوصا وزارت متبوع ایشان با انتصاب فرزندان، دامادها، خواهر زاده ها و اقوام نسبی و سببی، بدنه مدیریتی کشور را از افرادی پر کرده است که جز انتساب به افراد و گروه های ذی نفوذ، تخصصی در سمت های خود ندارند» به دفاع برخاسته است. او در دفاعیه خود انتصاب ها را به دولت های قبلی نسبت میدهد. عبدالملکی حرف دهان خود را میفهمد. او سند دارد:

«دو هزار مدیر در مجموعه وزارت کار داریم که یک هزار مدیر دست پاک و کارآمد همچنان به کار خود ادامه خواهند داد و یک هزار دیگر باید برکنار شوند... از همان روزهای اول انتصابم، فهرست هایی از سوی نهادهای امنیتی رسید که در آن اسامی افرادی که در چهارچوب زد و بندهای سیاسی و سفارشی، پست های خود را اشغال کرده بودند، مطرح شد... همچنین انتصاب های مساله دار حقوقی و فامیلی را داشتیم. به عنوان مثال محکومان دستگاه قضایی یا کارمند سازمان های خارجی یا افرادی که وابسته به رجال سیاسی را داشتیم... یکی از مجاری فساد در حوزه فیش های حقوقی نجومی بوده است... بررسی ها شروع شد. در مرحله اول پرداختی ها در فیش ها بر اساس قواعد و چهارچوب ها بود اما بررسی های بعدی نشان داد که بخش زیادی از پرداختی ها، از جوهی خارج از فیش حقوقی و از طریق سکه و کارت هدیه بوده است» («دفاع عبدالملکی از عملکرد وزارت کار»، روزنامه توسعه ایران، شماره ۱۰۱۱، ۲۴ بهمن ۱۴۰۰)

برج و باروی وزارت کار با یکپار «داماد» و خواهر زاده که در خدمت تعالی نظام مشغول چرب کردن سیل یکدیگر با سکه و کارت هدیه بوده اند در فرهنگ متعارف جز اوباشان و ارادل شایسته نام دیگری نیست. کار باید به جای باریک کشیده باشد، دامنه این فساد باید خیلی بیشتر از این باشد که این اسناد بدین حد علنی سر از مطبوعات درآورد. انگشت اتهام و مدارک عبدالملکی به سمت وزرای کار پیشین علی ربیعی و محمد شریعتمداری نشانه میروند که هر یک بنوبه خود ستون های «پاکدستی» و تخصص نظام به حساب آمده اند. عبدالملکی خوب میداند از همان میکروفون ربیعی و شریعتمداری نیز مشت ارادل مقامات ماقبل خود را باز کرده اند.

عبدالملکی خوب میداند که او نیازی ندارد در این مقام چیزی از پاکدستی و تخصص خود را به اثبات برساند. حجت عبدالملکی و کل وزارتخانه ایشان بر پایه بردگی کارگر، حمله بر حقوق و بر انکار توقعات کارگری جامعه استوار است. «پاکدستی» در ارزیابی مقامات و دوایر وزارتخانه ای که همدستی در هزاران پرونده قتل و جراحات موسوم به سوانح محیط کار در سابقه آن «میدرخشد»، یک معیار مزخرف است. وزارت کار مرکز تولید یاهو علیه کارگر، شمشیر داموکلس کارفرما بالای سر کارگر، ماشین پر کار تعمیم قدرقدرتی کارفرما در زمینه دستمزد و اخراج و بیمه ها است. مشکل وزارت کار برای کارگر آن جامعه در «دست پاکی» کارمندان آن نیست، بلکه مشکل در نفس، در کارکرد و در فلسفه وجودی این وزارتخانه است. جناب عبدالملکی وعده یک وزارت کار پاستوریزه را میدهد در حالیکه در غیاب «دامادهای سکه خوار» بیمه کارگران ساختمانی، بیمه بیکاری، بازرسی و رسیدگی سوانح کار، دستمزدها و غیره به سیاق سابق ارادل همچنان ادامه دارد.

عمارت وزارت کار شاید آخرین جایی باشد که کارگر معترض و سازمان یافته در پیشروی های خود، در به کرسی نشان دادن داعیه های طبقاتی اش نیاز به تصرف آن پیدا خواهد کرد. مجامع عمومی کارگری در اعمال قدرت و برپایی حکومت کارگری فلسفه وجودی این وزارتخانه را بی معنا خواهند ساخت. از پوسته عمارت دامادها و سکه ها جز یک آبریزگاه عمومی چیزی برای آیندگان بجا نخواهد ماند.

فدرا ت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکل اوست!

از پروژه «زیست بوم ملی اشتغال» تا مافیای استثمار بنیاد امام

مصطفی اسدپور

در طول هفته گذشته وقت آن رسید که دولت رئیسی و وزیر کار او از چگونگی وعده انتخاباتی خود مبنی بر ایجاد یک میلیون شغل پرده بردارد. این طرح هیچ چیز تازه ای در بر ندارد، اما فشرده چند دهه توطئه دولت و طبقه سرمایه دار با جزئیات حیرت آور در آن جمعآوری شده است. این سند را باید یک بانک اطلاعاتی جامع برای سازمان دادن استثمار و بهره کشی بی محابا از کرده صغیر و کبیر مردم کارگر و زحمتکش در ایران نامید. «یک میلیون شغل» نام مشترک چهار طرح است که «کار» و «کارگر» را از صحنه سیاسی و اقتصادی جامعه حذف و بجای آن شصت میلیون «محروم» مینشانند که در لباس «مراجعی» وزارت کار در اختیار بنیاد امام سازمان می یابند تا در رقابت با هم گلیم خود را از فقر و بینوایی بیرون بکشند. تمام اسناد و راهبرد این طرح ها، همگی اندر حکایت کار، «اشتغال» و «کار آفرینی» حتی برای یک بار از عبارت «کارگر» تا چه رسد به حق و حقوق کارگری پرهیز شده است؛ در یک خروار ابتکارات و اقدامات مشعشع تنها چیزی که به چشم میخورد این است که مطلقا هیچ اثری از بیمه بیکاری در آن پیدا نیست.

اول: «زیست بوم ملی اشتغال» و سند مکمل آن یعنی «اطلس اشتغالی» در ایران یک مالیخولیا در جستجوی حریص بدنال موجود جاندار به منظور شکار برای بنگاه بنیاد امام خلاصه میشود. دقت جمعیت شناسی و کندوکاو ژئوپلیتیک این اطلس خیره کننده است، اما مالیخولیا آنجاست که میلیونها انسان در فقدان آب و نان، در فقدان درمانگاه، مدرسه، امکانات ارتباطی و (بنا به تاکید وزیر کار) غرق در «فقر مطلق» به یکباره در جستجوی جمعیت «قاند شغل» کشف میشوند! مردم و مناطق مد نظر به جای نجات و بهبود با دعوت به ضیافت آروغ های رهایی بخش سیزدهمین رئیس جمهور به زنجیر «اشتغال» کشیده میشوند تا امرار معاش خود را منوط به بیکاری برای مافیای بنیاد امام ببینند. نفرت انگیز است که چگونه ساختار دولت و قانون و وزارت کار، همه و همه به یکباره به دال و کار چاق کن بنگاه های «کم سرمایه» و در عوض «پر سود» بنیاد امام و کمیته بهزیستی از آب در میانند. نباید از قلم انداخت که پروتکل رسمی آغاز پروژه، میان رئیس جمهور و متولی بنیاد برکت از زیر شعبة های کمیته امداد امام به امضاء رسید.

از «زیست بوم ملی اشتغال» بعنوان بزرگترین و جامع ترین پروژه تحقیقی اقتصادی ایران نام برده میشود. با معیار کشیمینی و تعداد اوراق و جدول ها و وفور اصطلاحات مراجع انگلیسی زبان شاید حق با موج تمجید و تحسین مدیای رسمی و الیت دانشگاهی در ایران است. اما بلافاصله باید اضافه کرد، نفرت انگیز است که چگونه ایران در لبلاهای صفحات «اطلس اشتغال» شخم زده میشود، و بجای آن یک سرزمین مملو از خس و خاشاک پیدا میشود که این مردم میتوانند به آن چنگ انداخته و با «اشتغال» خود را از فقر مطلق نجات دهند!

دوم: تسهیل دریافت مجوز برای مشاغل خانگی یک گام بلند در تعرض به امنیت و سطح معیشت مردم زحمتکش در ایران است. بنا به مصوبه وزارت کار «با هماهنگی متولیان صدور مجوزها، مجوز مشاغل خانگی ظرف سه روز صادر از زمان ثبت درخواست افراد صورت میگیرد». بنا به همین مصوبه کنترل صلاحیت و استاندارد تولیدات خانگی در هنگام صدور مجوز حذف میشود و کنترل در حین تولید جای آنرا میگیرد. در سه دهه اخیر کنترل و بازرسی از طرف وزارت کار به یک امر و وعده مسخره نزول کرده است. اگر قراردادهای سفید ۹۶ درصد بازار کار را فرا گرفته است، اگر از امنیت محیط کار مطلقا اثری پیدا نیست، اگر دستمزدهای موقه آسانترین و قانونی ترین راه راهزنی و سرگردنه بگیری در الیت سیاسی و دولتی ایران است؛ این وضعیت جز با شراکت مستقیم وزارت کار ممکن نبوده است. هم اکنون اقلام مهمی از دارو، امکانات درمانی و بهداشتی، مواد غذایی و نیازمندیهای پایه جمعیت اکثریت عظیم جامعه در زیر خط فقر در شبکه ارزان و نازل کیفیت فراهم میشود. مردم مجبورند. در یک زندگی جهنمی میلیونها انسان علاوه بر بار سنگین طفیلی های طبقه حاکم (و از جمله جملگی دست پاکها و دست ناپاک های ساکن عمارت وزارت کار) دارند از کار و جان یکدیگر، از کلیه و خون یکدیگر، و از محرومیت یکدیگر تغذیه میکنند. با مصوبه وزارت کار «خانه ها» و «مشاغل خانگی» به پستوهای رسمی و قانونی برای فرسودگی جسمی و روحی شهروندان، به دخمه های فرو خوردن آمال و انتظارات، به بزرگترین ماشین تولید و سودآوری تبدیل میشود.

سوم: داستان تکراری طرح های کارآموزی و این بار زیر عنوان «کارانه اشتغال جوانان (کاج)» رسواترین گرو کشی از جمعیت یک میلیون نفری جوانان جوینده کار است. در سر بزرگانه نوکرهای وزارت کار سد راه قرار میگیرند و در ازای «شغل»، بیگاری و تسلیم را مطالبه میکنند. این طرح، طرحی برای اشتغال نیست، بر عکس، با انواع ترفندهای

مسخره راه را برای بهره کشی از نیروی انسان کارکن دقیقا در خارج از چهارچوب «اشتغال» هموار میکنند. خوش رقصی وزارت کار، در خدمت سود جویی کارفرما، اینبار بیشتر از همیشه، چندان آور است. انواع معافیت مالیاتی، تخفیف های رسمی در دستمزدها و امنیت و بیمه ها، حکایت از یک گانگستریسم در قاچاق نیروی کار ارزان و خاموش، نه فقط علیه جوانان جویای کار، بلکه علیه کل طبقه کارگر دارد. لب و لوجه آویزان سرمایه و گروگان گیری نان و کار میلیونها جوان جامعه، هنوز در مقایسه با نقش مشترک دولت و وزارت کار و رسانه های دولتی بسیار شرافتمندانه تر بنظر میرسد. معلوم هست کمپین مخوف و خفت آور علیه جوانان جامعه، علیه ادعا و انتظارات یک جوان جامعه به کجا به آخر خط میرسد؟ معلوم هست تکلیف جوانانی که تداوم بی حقوقی «سیاه چال های زندگی کارگری» والدین شان را شایسته نسل دیگری از تبار کارگری جامعه نمیدانند، چیست؟

چهارم: با حذف زنان و کار زنان جز ورق پاره های سوخته و یک مشت اباطیل چیزی از کل این طرح باقی نمیمانند. زن خانواده کارگری، بی پناهی زن در بطن خانواده بی پناه و بی حقوق کارگری شالوده قوه تفکر بیمار الیت فکری و سیاسی طبقه حاکم سرمایه در ایران را تشکیل میدهد. زندگی کارگر در چهارچوب حاکمیت سرمایه در چهارچوبه استثمار و کارمزدی اسیر است. این حکم غیر قابل انکار است. از طبقه سرمایه جز بهره کشی و سودجویی نمیتوان انتظار داشت. کار زنان همواره در تمام اعصار و اقصی نقاط جهان میدان بهره کشی ویژه بورژوازی بوده است. اما کماکان نه بخاطر انتظار یک سر سوزن وجدان و شرافت و انصاف نزد حکومت سرمایه در ایران؛ بلکه ظرفیت های ویرانگر این حکومت علیه زنان است که نمیتواند از توجه ویژه برکنار بماند. کل اطلس اشتغال از فعال ساختن معادن متروکه، بسته بندی سبزیجات، چرخ های خیاطی زیر پله تا زنان کولبر مریوانی بر بهره کشی از زنان خانواده های کارگر و زحمتکش استوار است.

واقعیت این است که «زیست بوم ملی اشتغال در ایران» در مواجهه با تنش های طبقاتی در ایران، از یک مشت لاطانات امتحان پس داده فراتر نخواهد رفت. کارگر و زحمتکش ایرانی از اشتغال و کار کم نیابده است. دولت حاکم بی جا میکند «لیاقت» خود را از انتظار پنهان میدارد. مشکل میلیونها از آن مردم شغلی است که دستمزدش پرداخت نمیشود، مشکل آن مردم شغلی است که سلامتی و حرمت و جان آنها را لگد مال میکنند. مشکل آن مردم شغلی است که وزیر کار مملکت برای خالی کردن جیب آنها شریک دزدان است. شب و روز، آن مردم خود را به در و دیوار میزنند که در مقابل یک دولت قتلشن، زورگو و مافیایی خود و دستمزدهای ناچیزشان را حفظ کنند. این دولت است که با دزدی و سرگردنه بگیری کار و اشتغال را مجازات میکند. اطلس کنایه در مقایسه با انواع «شغل» و تلاش که مردم کارگر برای نجات خود و هم سرنوشتان خود بدان دست میزنند، بی نهایت حقیر است... آیا شرم آور نیست رو به زن خانواده کارگری، بساط پر طمطراق اقتصادی پهن کرد که: «چگونه با بافتن قالی در اوقات فراغت و همزمان با همنشینی مادرانه برای فرزندان، چند میلیون تومان هم به اقتصاد خانواده کمک کند»؟

و دست آخر، همه هذیان «اشتغال» و «فقر مطلق» را باید در متن تولید و سود و ثروت افسانه ای در ایران نظاره کرد. «زیست بوم اشتغال» و پروژه های همزاد آن جزیی از آپارات تامین گوشت دم توپ برای «بازار کار ایران» است. در این طرح سر گردنه را گرفته اند، هر مرتع و چشمه و جویبار و هر کوره راه را به تملک درآورده، و از طرف دیگر قرار است تامین معاش هر ساله یک میلیون مردم هراسان از فقر و گرسنگی به درجه سودی که برای بنیاد برکت فراهم میآورد؛ گره زده شود.

**«دنیا بدون فراخوان
سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم و
بدون خطر
سوسیالیسم به
چه منجالی بدل
میشود..»**

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری عراق با موفقیت به کار خود پایان داد

در فضایی انقلابی و پرشور و در حضور دو سوّم اکثریت نمایندگان سازمان‌های حزب در داخل و خارج عراق، تعداد زیادی مهمان، فعالین حرکت اعتراضی و جنبش زنان از خارج از عراق و بسیاری از چهره‌های محافل سوسیالیستی و همچنین در حضور هیئت‌های دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری کردستان با حضور خسرو سایه، این کنگره برگزار شد.

کنگره کار خود را با پخش سرود اینترناسیونال آغاز کرد. سپس حضار به احترام مبارزین راه سوسیالیسم و آزادی یک دقیقه سکوت کردند. در ادامه، صحت روند انتخابات و به حد نصاب رسیدن تعداد نمایندگان مورد تأیید کنگره قرار گرفت. فارس محمود، رئیس کمیته انتخابات گزارش مفصّلی از مکانیزم و روند انتخاب نمایندگان را ارائه داد و در ادامه نمایندگان به طور متفق‌القول به مشروعیت نمایندگان و کنگره رای دادند. سپس نظارت‌ها و مدیریت کلی کنگره و دستور جلسه کنگره مورد تأیید اعضا قرار گرفت که به شرح زیر است:

- گزارش سیاسی دبیر کمیته مرکزی برای مدت بین کنگره پنجم و ششم.
- موقعیت سیاسی عراق و سیاست‌های عملی حزب.
- شوراها و کمیته‌های نمایندگان کنفرانس عمومی آلترناتیوی است برای قدرت نظامی حاکم.
- رهایی زنان و مطالبات فوری آنان.
- جنبش کارگری و وظایف حزب.

سمیر عادل در سخنرانی افتتاحیه خود از اهمیت و جایگاه این کنگره در موقعیت حساس سیاسی که جامعه عراق آن را تجربه می‌کند گفت و همچنین بر ضرورت دخالت کمونیسم برای نجات جامعه از کابوس تاریکی که توسط جریان‌ها و نیروهای بورژوازی ملی، مذهبی و فرقه‌ای بر آن حاکم شده‌اند، تأکید کرد. برنامه‌های کار کنگره نیز بر تلاش‌های حزب برای سوق دادن مردم و جنبش اعتراضی برای پایان دادن به حاکمیت این نیروی فاسد و جانیان اسلامی و میلیشاهای ناسیونالیست تأکید داشت. در ادامه پیام‌های همبستگی از احزاب و سازمان‌های مختلف قرائت شد از جمله پیام «جنبش سوسیال دموکراتیک» (ام. دی. اس) از ژاپن، سخنرانی از طرف حزب حکمتیست (خط رسمی)، ابو وطن، رئیس فدراسیون عمومی اتحادیه‌های تجاری عراق هم به ایراد سخنرانی پرداخت. در تمام مباحثات و تصمیم‌گیری‌ها که کنگره در دستور کار داشت یک مسئله مورد تأکید قرار می‌گرفت: هر گونه بهبود در زندگی و معیشت مردم و دستیابی به مطالبات مردم اعم از کارگران و زنان و دیگر گروه‌ها تنها با کنار گذاشتن قدرت فعلی از زندگی مردم جامعه امکان‌پذیر است. سمیر عادل در بخش گزارش سیاسی رهبری کمیته مرکزی حزب در بین دو کنگره، نمایی جامع از فعالیت‌های حزب در این مدت را ارائه داد. او با بررسی مواضع سیاسی و عملی حزب، برجسته‌ترین مراحل و موقعیت‌هایی که این حزب از آن گذر کرده و نوع واکنش ما به آن را با حضار به اشتراک گذاشت و بر نقاط ضعف و قوت حزب در این برهه هم اشاره کرد. او همچنین در بخش، موقعیت سیاسی و سیاست‌های عملی، درباره‌ی موقعیت سیاسی فعلی و راه‌های پیش رو در عراق سخن گفت و به بحران قدرت طبقه حاکم و پروسه‌های سیاسی آن اشاره کرد و ابراز داشت که افق‌های بورژوازی شکست خورده و به رغم اختلافات بین احزاب آن، به پیش برنده‌ی سیاست‌های افزایش فقر در بین طبقه کارگر و دیگر اقشار محروم است و سیاست‌ها و اقدامات فوری حزب در قبال این سیاست‌ها را خاطر نشان کرد.

فارس محمود، به عنوان آلترناتیو حزب برای قدرت سیاسی موجود، قطعنامه‌ی پیشنهادی به کنگره را تحت نام «کنگره عمومی شوراهای مردمی...» را ارائه کرد. او تأکید کرد که زمان آن فرا رسیده که به عمر این نظام پایان داده شود و همچنین به ضرورت دخالت مستقیم مردم برای پس گرفتن سرنوشت سیاسی‌شان از دستان این نیروهای ضد مردمی اشاره کرد و اینکه تنها راه تحقق این امر از طریق برقراری مجامع شوراهای عمومی میسر است، که مردم بتوانند امور جامعه را از دستان این نیروهای میلیشیای بورژوازی در بیاورند. او افزود که این احزاب قدرت‌های سیاسی حاکم هستند که شکست قدرتشان و حکومتشان و ورشکستگی سیاسی‌شان را اظهار می‌کنند.

در رابطه با سند رهایی زنان و مطالبات فوری آنها نیز نادیا محمود درباره‌ی موقعیت زنان در عراق و ضرورت ایجاد یک جنبش سراسری زنان برای پایان دادن به تمام بی‌عدالتی‌ها علیه زنان صحبت کرد و ابراز داشت که این عرصه باید به یک عرصه‌ی

پایه‌ای برای فعالیت‌های حزب تبدیل شود تا موقعیت زنان و مبارزاتشان ارتقاء یابد و به مطالبات پایه‌ای زنان در موقعیت کنونی اشاره کرد. در سند «جنبش کارگری و وظایف حزب» ابو وطن درباره‌ی وضعیت فعلی طبقه کارگر در عراق و تعرض همه‌جانبه به این طبقه در تمام عرصه‌های اقتصادی، معیشتی، سازمانی و دیگر عرصه‌ها، سخنرانی کرد و خلاصه‌ای از آنچه که حزب برای ارتقاء این جنبش و تقویت مبارزات و توانایی سیاسی آن باید انجام بدهد ارائه کرد. رئوس مطالبی که در دستور کار کنگره قرار داشت توسط نمایندگان و مهمانان به بحث گذاشته شد و بحث‌های داغی پیرامون بهبود عملکرد و فعالیت‌های حزب در انجام وظایفی که به او محول شده است، از طریق تغییر موقعیت جامعه و سوق دادن جامعه به سوی آلترناتیو انقلاب کارگری و سوسیالیستی شکل گرفت.

تا آنجا که به قطعنامه‌ها برمی‌گردد تصمیمات لازم درباره اسناد پیش از کنگره اتخاذ شد و پس از تأیید چارچوب کلی آنها، به کمیته مرکزی ارائه شدند تا آنها را در سایه مباحثات حضار بررسی کند. این قطعنامه‌ها هم متفق‌القول مورد تأیید قرار گرفتند از جمله: دفاع از سکولاریسم و جامعه مدنی، اعتیاد، محیط زیست و تأثیرات آن بر زندگی مردم عراق، فرایند تغییر در اسناد پایه‌ای حزب. این کنگره همچنین مسائل مربوط به ارتباطات و درخواست از مردم عراق، طبقه کارگر و زنان را تأیید کرد. در بخش انتخابات یک کمیته مرکزی متشکل از هجده نفر انتخاب شدند: توما حمید، عمّار شریف، عادل احمد، علی احمد، طاهر سلیم، حمّام الحمّام، اسد طالب، خلیل ابراهیم، زُکار عبدالله، سمیر عادل، عواد احمد، فیاض عبدالکریم، نادیا محمود و طالب محمد.

سمیر عادل در سخنرانی پایانی کنگره از جو کنگره و روحیه بالای نشان داده شده توسط تمامی حضار ابراز خوشحالی کرد و از تمام کسانی که به موفقیت این کنگره کمک کردند تشکر کرد و بر ضرورت تبدیل نتایج آن به عملکرد سیاسی گسترده، برای تقویت توده‌ها، جنبش‌های اعتراضی کارگران و زنان، و برای تشکیل یک جامعه نوین تأکید کرد.

در این فضای پر از امید، شوق و آمادگی در سالن کنگره، تعدادی از مهمانان تقاضای عضویت در حزب را تقدیم کردند. کنگره کار خود را با پخش سرود اینترناسیونال به پایان رساند. کمیته مرکزی سی و هشتمین جلسه خود را حول محور دو موضوع برگزار کرد: انتخابات برای ریاست کمیته مرکزی، معاون و دفتر سیاسی و تصمیمات دیگر. در رابطه با موضوع دوم تعدادی تصمیم ضروری سیاسی و سازمانی اتخاذ شد. در بخش انتخابات سمیر عادل به عنوان دبیر کمیته مرکزی و فارس محمود به عنوان معاون انتخاب شدند و رفقا عمّار شریف، نادیا محمود، طاهر سلیم، فیاض عبدالکریم و خلیل ابراهیم به عنوان اعضای دفتر سیاسی انتخاب شدند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق ژانویه ۲۰۲۲

ترجمه اطلاعاتی از متن انگلیسی به فارسی توسط سعید محمدی صورت گرفته است

جمهوری اسلامی می‌تواند همانگونه که در گام نخست خود با «امام راحل»، انقلاب ۵۷ را سرکوب و به خون کشید، در «گام دوم» خود با علم و کتل «خلیج همیشه فارس» و «غیرت ایرانی» بیش از این عمری برای خود دست و پا کند. مردمی که امروز «اداره شورایی» می‌خواهند تمام این مقدسات را به زباله‌دانی تاریخ می‌ریزند؛ این نسل محال است با عبور از اسلام و جمهوری اسلامی در ایستگاه ارتجاع «ایران ایران» توقف کند. موج سهمگین مبارزات توده‌های کارگران، معلمان، بازنشستگان و محرومان با هدایت رهبران کمونیست و سوسیالیست در راس این مبارزات تضمین می‌کند که انقلاب آتی در ایران نه تنها انقلابی برای تعویض یک ارتجاع با ارتجاعی دیگر، انقلابی برای تفویض قدرت از معمم به مکلا، که یک انقلاب اجتماعی عظیم برای زیر و رو کردن تمام مناسبات سرمایه‌دارانه در ایران است؛ انقلاب آتی انقلابی پیروزمند به رهبری کمونیست‌ها و کارگران است. هیچ مانع اسلامی و ناسیونالیستی در این مسیر نمی‌تواند مانعی در مقابل پرش مردم ایران به سمت خوشبختی و رفاه باشد. طبقه کارگر و ما کمونیست‌ها ملزومات به پیروزی رساندن این رسالت سوسیالیستی را تضمین می‌کنیم.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena